

بسم الله الرحمن الرحيم

نام کتاب: رساله طاعون
نام مولف: دکتر تولوزان

به کوشش
محمد رضا شمس اردکانی
فرید قاسملو
علی اکبر وطن پرست

این کتاب با استفاده از حمایت های مالی
معاونت محترم فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی تهیه شده است .

پیشگفتار پدید آورندگان

دوران حاضر را عصر انفجار اطلاعات گفته اند، عصری که با جایگزینی شیوه های قدیم اطلاع رسانی به شیوه های جدید سرعت دستیابی افراد، کاربران، پژوهشگران و علاقه مندان به داده ها و دانسته ها چند برابر شده و هر روز به حجم دانسته هایی که به صورت رقومی و در فضای مجازی در اختیار افراد قرار داده می شود افزوده می گردد.

تاریخ، فرهنگ و تمدن گذشته ما را از این " انفجار اطلاعات " چه بهره ای است؟ ما، مسلمانان، ایرانیان و شرقی ها که مفتخر به داشتن پشتوانه ای عظیم فرهنگی هستیم و به ویژه ما ایرانیان که با تاملی خاص پلی بزرگ میان اسلامیت و ایرانیت خود زده و با درهم آمیختن این دو مولفه حیاتی دستاورد بزرگی به میراث جهانی بشری افزوده ایم، در کجای این وانفسای اطلاع رسانی و انفجار اطلاعات هستیم؟ آیا توانسته ایم آنقدر که شایسته آن هستیم داده ها و داشته های خود را در معرض استفاده همگان قرار دهیم؟

شاید اکنون وقت آن باشد تا جدی تر به عرصه اطلاع رسانی نگاه کنیم. اما پیش از آن شایسته است از خودمان بپرسیم راه و روش پیوستن به این جریان جهانی اطلاعات چیست و چگونه می توانیم بدون دوباره کاری، حرکت های موازی و اشتباه دانسته های خود را به جهانیان عرضه کنیم.

به باور مولف این سطور حرکت تخصصی، و پیمودن این راه با چشم انداز ارائه دستاوردهای موضوعی و تخصصی یکی از مهمترین راههایی است که می توان با سرعت به جریان جهانی اطلاع رسانی پیوست و از هویت ملی خود دفاع نمود. به عبارت دیگر، شایسته است هرکدام از علاقه مندان و پژوهشگران در عرصه تخصصی فعالیت و پژوهش خود گوشه چشمی نیز به اطلاع رسانی به شیوه نوین آن انداخته و از هم اکنون در فکر راه اندازی جریان نرم افزاری ارائه و اشاعه اطلاعات باشند. این حرکت تخصصی باعث خواهد شد تا از راهها و مجرا های گوناگون اما همسو، و با سرعت بتوان به تولید دانش در عرصه شبکه مجازی و رایانه ای پرداخت و از دوباره کاری و موازی کاری نیز پرهیز نمود.

به زودی تعاریف سنتی ما از کتاب (به عنوان هویتی کاغذی و حجیم)، کتابخانه (به عنوان محلی که افراد به آن " مراجعه " می کنند تا مطالعه نمایند) و حتی یادداشت برداری تغییر خواهد یافت. اکنون، برای هم نسلهای ما وقتی واژه " کتاب " به کار می رود هویتی کاغذین در ذهن نقش می بندد که از تعدادی صفحه که با آرایش خاصی کنار هم قرار گرفته اند تشکیل شده است، اما مولف این سطور مطمئن است حداکثر برای یک نسل بعد واژه کتاب متبادر کننده حجمی خاص از فضای یک رایانه و یا حداکثر لوحی فشرده حاوی هزاران صفحه مطلب در شاخه های گوناگون دانش خواهد بود.

اما پرسش دیگر آن است که این حرکت تخصصی را از کجا باید آغاز نمود؟ نگاه به گذشته نشان می دهد ما مسلمانان دارنده گذشته ای عظیم از معرفت بشری در قالب هزاران جلد کتاب در موضوع های مختلف معرفت بشری از علوم عقلی تا نقلی و از ادب تا علوم دقیقه هستیم. یکی از این شاخه های پر بهای معرفت اسلامی شاخه پزشکی دوره اسلامی است که ادبیاتی خاص، دقیق و البته هنوز زنده را در خود پدید آورده است.

عبارت هنوز زنده را از آن جهت بکار بردیم که معتقدیم بررسی دانش پزشکی گذشته ما آنچه امروز تاریخ پزشکی دوره اسلامی نامیده می شود، حاوی دست کم دو فایده است. یکی، آشنایی با نقش دانشمندان ایرانی و اسلامی در تکوین دانش پزشکی جهانی و تبیین نقش آنان در تکامل پزشکی و دیگر سود جستن از این دانش در عرصه پزشکی امروز و استفاده از این دانش در معالجه بیماری های افراد.

واقعیت آن است که این، تنها ما نیستیم که امروز می خواهیم از دانش دیروز خود در عرصه پزشکی استفاده کرده و از پزشکی سنتی خود در معالجات امروزین سود ببریم، پیش از ما، حتی آنانی که نقش آنان در تکوین دانش پزشکی جهانی خیلی کمتر از ما بوده یا اصلا نقشی در این زمینه نداشته اند به فکر افتاده و با استفاده از گذشته خود به تعاریف جدیدی از مفاهیم دارو و درمان دست زده و به درمان بیماری ها پرداخته اند.

امروزه، آمارهای سالانه ای که از سوی نهادهای بین المللی جهانی مجری سلامت و درمان بشر منعکس می شود نشان می دهد درصد استفاده از طب سنتی در فرایند درمان مردم رو به افزایش است.

واقعیت آن است که شاید، (و البته بدون تردید) ابزار بشر برای کشف جهان پیرامون خود تغییر کرده باشد، بشر خیلی دقیقتر از گذشته به درون خود و برون جهان نگاه می کند و مفاهیم اندازه گیری بسیار با گذشته فرق کرده اند، صحبت از میکروآنکسترون ها و هزاران سال نوری است. اما نگاه معرفتی بشر به خود و پیرامون خود هنوز تغییر نکرده است. پاسخ به پرسش های اساسی از کجا آمده ایم، به کجا می رویم و برای چه آمده ایم هنوز دغدغه بشر است.

اکنون بیایید دانسته های خود را در این زمینه یک بار دیگر مرور کنیم. اکنون را عصر انفجار اطلاعات نامیده اند و دوران انتشار دانش و اطلاعات از طرق جدید است. از دیگر سو، یکی از شاخه های دانش که در اختیار ماست و می توانیم امروزه نیز از آن بهره برداری کنیم دانش پزشکی دوره اسلامی است. در وجه دیگر، علاقه مند هستیم کار تخصصی ارائه دهیم و نمی خواهیم سرمایه و نیروی انسانی خود را صرف کارهای عمومی نماییم. جمع این سه رکن، ما را به آن رهنمون می شود که قصد آن کنیم مجموعه ای الکترونیکی در زمینه دانش پزشکی دوره اسلامی پدید آوریم.

مجموعه حاضر با توجیه هدف بالا و با در نظر گرفتن رویکرد تولید دانش و در موضوع پزشکی اسلامی و در قالب انتشار آن به صورت الکترونیک پدید آمده است. از اینجا به بعد نوع نگرش ما به روش تولید کار، جریان بخش شکل دهی به مجموعه حاضر بوده است. در این مجموعه کوشش شده است تا برای جلوگیری از اتلاف سرمایه ها و جلوگیری از موازی کاری از ورود متون عظیم پزشکی دوره اسلامی خودداری شود. پدید آورندگان مجموعه حاضر را این اندیشه بوده است که برای به دست آوردن تجربه و خودداری از حرکت در مسیر آزمایش و خطا کار الکترونیکی کردن منابع پزشکی دوره اسلامی از متون کوتاه تر آغاز شده و پس از کسب تجارب مکفی و دیدن و لمس نمودن مشکلات سرراه به سوی منابع عظیمی چون قانون ابن سینا و حاوی رازی و ذخیره خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی حرکت شود. بنابر این ، مراجعه کننده به مجموعه حاضر باید آگاه باشد که مجموعه حاضر ، شامل ۶۰ عنوان از کتب پزشکی دوره اسلامی و به زبان فارسی تنها حرکتی آغازین برای حضوری عالمانه در عرصه دنیای مجازی و رایانه ای در موضوع پزشکی دوره اسلامی است.

فرصت تهیه و پدید آمدن مجموعه حاضر بدون حمایت های مادی و معنوی معاونت محترم فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پدید نمی آمد. و باید از این معاونت بسیار سپاسگزار بود.

با تشکر

پدید آورندگان

معرفی کتاب

رساله در کیفیت مرض طاعون (طرز جلوگیری و معالجه طاعون)
رساله‌ای است از دکتر ژوزف دزیره تولوزان در کیفیت مرض طاعون.
گویا به دستور ناصرالدین شاه قاجار به کوشش گروهی از پزشکان به سرپرستی دکتر تولوزان نگاشته شده است. در
«مقدمه» و سه «فصل»

نسخه‌هایی از این رساله در کتابخانه مسجد گوهرشاد و موزه بریتانیا موجود می‌باشد.
این رساله یک بار با نام کیفیت مرض طاعون در ایران به سال ۱۲۹۳ چاپ سنگی شده و یک بار هم با نام طرز
جلوگیری و معالجه طاعون در همان سال در تهران به چاپ رسید.

فهرست مطالب

- 4 فصل اول در قواعد منع سرایت مرض طاعون از عراق عرب بایران و مشتمل است به سه فقره
- 4 فقره الاول- در بیان منع طاعون از طریق دریا به بنادر فارس.....
- 5 فقره ثانی- در دستورالعمل سرحدات برسی عراق عرب:.....
- 6 فقره سیم- در بیان دستورالعمل شهر یا دهات سرحدات ایران:.....
- 7 فصل دویم- در تحقیق علمی و حقیقت و ماهیت مرض طاعون:.....
- 8 فصل سیّم- در مرض طاعون و او را دو درجه است.....
- 8 درجه اول- اغلب اوقات بدون مقدمات عارض می شود:.....
- 9 درجه دویم- حرارت شدید در بدن عارض خصوصاً در جلدها:.....

الحمد لله رب العالمين و الصلوه والسلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين اما بعد بر ارباب بصيرت و دانش معلوم باد که قریب چهارسال است که در فصل بهار در بعضی اماکن عراق عرب طاعون قلیل و خفیفی بروز می نمود و در فصل تابستان معدوم می شد سال اول بسیار کم و سال دویم فی الجمله بیشتر و سال سیم پیشتر از سال دویم بود و در تمام آن سه سال قسمی خفت داشت که اکثری را گمان این بود که آن مرض طاعون نبوده و در هذه السنه سیچقمن ئیل بشدتی بروز کرد که این اشتباه بکلی رفع شد و اکنون که شهر ۱۲۹۳ ربیع الثانی هجری است تمام عراق عرب را فراگرفته است و اعلیحضرت اقدس ظل الله شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه قاجار که امتداد دولت همایونش با بد پیوسته باد بجهت سرحدات دولت علیه ایران از سرایت ناخوشی مزبور مقرر داشتند مجلس قمسیون در دارالخلافه بر ریاست نواب مستطاب و الاعضاد السلطنه وزیر علوم مرکب از اطباء حاذق ایرانی و فرنگی و غیره منعقد شده تدابیر لازمه و اجرای این مقصود بنمایند بنابراین اشخاص مفصله ذیل برپاست نواب مقربی الیه معین گردیده

فرنگی

دکتر طولوزان	حکیم کاستالدی
حکیم باشی و طبیب	مامور مخصوص حافظ الصحه و طبیب
حضور همایون	سفارت علیه عثمانی
حکیم دکسون	حکیم کونرمینکی
طبیب سفارت	طبیب سفارت
دولت بهیته انگلیس	دولت بهیته روسیه
حکیم بیکر طبیب	حکیم؟
اداره تلگرافی	طبیب دولت
دولت بهیته انگلیس	بهیته انگلیس

ایرانی

میرزا سید رضی	میرزا ابوالقاسم
حکیم باشی نظام	حکیم باشی معلم
میرزا رضای دکتر	علم طب ایرانی مدرسه
معلم علم طب فرنگی	دارالفنون
مدرسه دارالفنون	جعفر قلیخان
حاجی میرزا	رئیس
ابوالفضل	مدرسه
حکیم	میرزا علی اکبر
میرزا زین العابدین	حکیم باشی مریضخانه
طبیب حضور	دولتی
همایون	

و هفته دیگر که عبارت از روزهای یکشنبه باشد مجلس کمسیون در مدرسه دولتی دارالخلافه منعقد میشود و در مدت قلیل تدابیر لازمه از قبیل برقراری ؟ در نقاط متعدد سرحدات دولت علیه متصل بخاک دولت علیه عثمانی و ماموریت اطباء بجهت حفظ صحت مردم همان صفحات و تاکیدات

بحکام خطوط سرحدی در عدم اختلاط اهالی آنجا با اعراب و لایات و ایلات عراق عرب و بصره اطراف آن گردیده است و مجلس مزبور با کمال دقت مراقب انتظام و استحکام این امور است و مقرب الخاقان دکتر طولزان حکیم باشی و طبیب خاصه حضور همایون برای دستورالعمل اطبای مأمور و غیره با اسغای اجزای مجلس این رساله را در کیفیت مرض طاعون و معالجه آن مشتمل بر سه فصل نوشته‌اند تا خواص و عوام از آن مشفع توانند شد.

فصل اول در قواعد منع سرایت مرض طاعون از عراق عرب بایران و مشتمل است به

سه فقره

فقره الاول- در بیان منع طاعون از طریق دریا به بنادر فارس

بدانکه هر کشتی که از بصره و شطالعرب بندرهای فارس می‌آیند باید تخمیناً هزار وزع دور از آن بندر لنگر میاندازند و طبیب حافظ الصحه یا اشخاصیکه از جانب او مأمورند در قایق نشسته بجانب آنکشتی بروند و بفاصله پست ذرع بکشتی مانده بایستند و از ناخدا تفحص نمایند که در کشتی مریضی هست یا نه و بپرسد که در بین راه کسی مریض شده و از آنها مرده‌اند یا نه و هم بدانند که حمل آن کشتی چیست پشم و پنبه و جلد است یا چیز دیگر و هم بدانند که آن کشتی نظیف است یا کثیف و باید آنطبیب حافظ الصحه در صدق قول ناخدا اطمینان حاصل نماید پس اگر در بین راه کسی ناخوش نشده باشد و حمل کشتی پشم یا چرم یا پنبه نباشد آن کشتی را مدت پانزده روز در آنموضع نگاه دارند و پس از آن مرخص نموده عبور دهند و این هنگامیکه در اینمدت از اهل کشتی بمرض طاعون و یا شبه او مبتلا نشوند ولی اگر اینمرض پدید آید و یا حمل آن کشتی پشم و یا پنبه و یا جلد باشد باید او را راه ندهند و روانه نمایند به بندر و یا جزیره‌ی که بفارس مراوده نداشته باشند و اسباب کشتی را بیرون آورند در هوای خارج از کشتی و تدخین نمایند آن کشتی تا بدود کبریت و اگر مریض طاعونی باشد اسباب متعلقات بدو را از قبیل رختخواب و ملبوس همه را بسوزانند و اگر ممکن نباشد بتدبیریکه بعد ذکر خواهد شد عمل نمایند و چنین کشتی را مدت دو ماه نگاهدارند و اگر درین بین مریضی طاعونی در آنها پدید نشد و کشتی را نظیف کرده تدخین دادند بکبریت آنوقت اذن بدهند آنکشتی را که عبور نماید به بنادر فارس و این دستورالعمل را باید در همه کشتیها جاری ساخت خصوص در کشتیهای کثیف بدون طبیب

فقره ثانی- در دستورالعمل سرحدات بررسی عراق عرب:

که مابین خاک دولت عثمانی و ایرانست باید اشخاص عابرینا مدت پانزده روز نگاه دارند اگر مریض در آنها پیدا نشد اذن عبور بآنها بدهند و اگر کسی از آنها بمرض طاعون و یا مرضی شبیه بطاعون مبتلا شود باید آنمرض را از آنقافله بیرون برده بمکان دوری تا وقتیکه صحت یابد و بعد از آن هم او را مدت یکماه نگاهدارند و جمیع اسباب متعلقه بدانمریضا اگر ممکن است بسوزانند و آلا بدود کبریت تدخین دهند و یا در تنور گرمی مدتی بگذارند و اگر در آن قافله بار پشم یا جلد یا پنبه باشد آنها را باز کنند تا مجاور هوا باشد مدت چند روز و چون کسی از اهل قافله یا اشخاصیکه در سر حد هستند مبتلا بمرض طاعون شوند باید مورین آنجا این واقعه را بزودی بتلگراف و یا بچاپاری اطلاع بطهران بدهند

فقره سیّم- در بیان دستورالعمل شهر یا دهات سرحدات ایران:

که طاعون در آنها عارض شود پس اگر طاعون در خانه پدید شود باید آن شخص مبتلا بطاعون را در منزلی سکنا دهند که هوا حبس نباشد بلکه جاری بود و یا در زیر درخت در جائیکه اطرافش باز باشد و یا تختی در وسط اشجار از چوب بافته مریضرا سکنا دهند و باید شخص مریض شها بود و یک یا دو نفر پرستار داشته باشد و اشخاص دیگر که در آن خانه هستند باید از آن خانه بیرون بروند و تا یکماه مراوده بدانخانه نکنند و اگر باز کسی دیگر بمرض مذکور مبتلا شود نیز او را بیرون برده نزد مریض سابق سکنا دهند و آنخانه بکلی خالی مانده اگر اسبابی در میان آنخانه باشد باید پانزده روز آنها را مجاور هوای تازه نمایند و اگر خانه زباد کثیف باشد باید آتش در آنخانه زده و اگر چندان کثیف نباشد او را بشویند و بگذارند تا هوا بخورد و پس از آن آب آهک بزمین و سقف و دیوار بپاشند و البته باید آنخانه تا یکماه خالی باشد و اگر در چند خانه مرض طاعون عارض شود در جمیع همین قواعد را جاری کنند و همسایگان باید ترک مراوده بدانخانه کنند و تدخین نمایند بدود کبریت و با آب آهک بشویند و اگر بتوانند از خانههای خود بیرون روند در مواضعیکه اینمرض نباشد و یا در چادرها سکنا گیرند و اگر مرض طاعون در شهرهای بزرگ عارض شود همین قواعد را نیز اجرا دارند و جمیع اشخاص طاعونیه را در منزل علیحده سکنا دهند و پرستاری از آنها کنند و خانهها را خالی گذارند و متفرق شده بجاهای دیگر روند و یک الی دو فرسنگ از آن شهر دور شوند و در چادرها و یا در تختهای اشجاری سکنا گیرند بالجمله باید مرضها را در امکانه مرتفعه که هوایش جاری باشد منزل دهند

فصل دویم- در تحقیق علمی و حقیقت و ماهیت مرض طاعون:

بدانکه طاعون مرضی است که باغلب امراض شباهت ندارد و تا چهل سال قبل اغلب اوقات در مصر و اسلامبول وشام عارض میشد که گاهی شدت و گاهی خفت پیدا مینمود و برخی اوقات بکلی زائل میشد از چهل سال قبل تاکنون درین بلاد هم بندرت عارض میشد و در ایران هر چهل یا پنجاه سال یکنوبت پدیدار میشد و نوبت آخرین چهل وپنجسال قبل ازین بوده و چهار پنجسال دوام پذیرفت و نخستین بسمت مراغه عارض شده و از آنجا بارومیه و خوی و اردبیل و گیلان و مازندران و استرا باد سرایت نمود و در خراسان نیز عارض شده و از بوجنورد تجاوز نمود و در طهران و زنجان و قزوین نیز سرایت نمود و در کرمانشاهان و سنندج و شوشتر و دزفول و همدان نیز پدید گردید و در بندر بوشهر شدت زیاد نمود و ار آنجا بکازرون سرایت کرد ولی در شیراز و اصفهان و کاشان و قم عارض نشد بدانکه در دولت ایران آنچه از توارنج معلوم شده هرگز مرض طاعون دوام زیاد پیدا ننموده برخلاف دولت عثمانی خصوصاً در مصر و اسلامبول و شامات که همیشه اینمرض بروز و ظهور داشت و نیز از توارنج معلوم شده که در ازمه سالفه هرسی یا چهل سال در ایران بروز مینمود و بسیاری از مردمانرا بهلاکت میرساند خصوصاً در آذربایجان و گیلان و مازندران و کرمانشاهان و عربستان و چون ابحال در عراق عرب موجود است احتمال دارد امسال یا سال آینده در ایران نیز بروز نماید لهذا تکلیف دولت و ملت ایران اینستکه از بیش تدارک اینکار را به بینند تا سرایت ننماید و اگر هم سرایت نمود کمتری و بهلاکت رسند و لهذا این تدابیر را ذکر کردیم تا اهالی ایران در حفظ صحت خود بکوشند

فصل سیّم- در مرض طاعون و او را دو درجه است

درجهی اول- اغلب اوقات بدون مقدمات عارض می شود:

که ناگهان مبتلا می شوند بضعف شدید و صداع بغایت سخت و لون طبیعی سیما بکلی زائل شود با دهن اعضا و چشمان فرو رفته و تکلم دشوار گردد و در راه رفتن پاها مرتعش باشد چنانچه قدرت بر حرکت نبود و اینها اولین علامات هستند و چون بسیار سخت عارض شود مرضا شبیه شوند بمستان و اغلب اوقات تهوع و قی عارض شود و قشعریه رخ نماید و بنبض بغایت سریع و اغلب اوقات صغیر و غیر منتظم است و در اکثر جانب انسی مقله را حمرت پدید شود و تغییرات کلتی در سیما بروز نماید و علامات مذکوره گاهی بیشتر از چند ساعت دوام نپذیرد ولی اغلب یک الی سه شبانه روز بطول انجامد

درجه دوم - حرارت شدید در بدن عارض خصوصاً در جلدها:

قلق و اضطراب و پیش چشم تاریکی احساس کند باحمرت عینین و شفافیت دو سعت حدقه و قوه‌ی سامعه ضعیف و در لبها و زبان باره سفیدی شبیه بکج پدید شده و حجم شوند و احساس حرارت در شکم و فم معده کنند که از نوشیدن اثر به حامضه بارده این التهاب و حرارت تسکین نیابد و مرضا از غایت ضعف از جواب و سؤال عاجز مانند و حال آنکه مشاعر برجاست و صداع بتدریج مبدل بهذیان و سبات شود و هنگامیکه مرض در اشتداد بود علامات مذکوره از روز دوم تا سیم بروز نماید^۱ و گاهی بکلی کلیه از عمل بازماند و در اغلب سرفه قلیلی بارعاف عارض میشود و از روز دوم الی چهارم درم طاعونی موجعی در کشاله ران یا در زیر بغل و یا کردن یا بن کوش بدید گردد و گاهی یکعدد است و از ابتداء بروز بعضی اوقات صغیر و برخی اوقات عظیم است و لکتهای غانقرایانی که سرد بن نامند کمتر از دمل طاعونی عارض شود و در اغلب پس از عروض دمل طاعونی^۲ بروز نماید و گاهی در وسطاند ما میل پدید شوند و در بین بروز این علامات و یا پس از بروز حمی تخفیف یابد و ترشح عرق زیاد شود خصوصاً هنگامیکه مرض بصحت تبدیل شود و در نیوقت غلق و اضطراب کمتر شده زمانرا لینتی پدید آید و حمرت چشمان و اتساع حدقه کمتر گردد و دما میل طاعونی متدرجاً بزرگ شده بجراحت یا بتجلیل انتها یابد و شربتها محدود شده وسط آنها که غانقرایاست جدا گردد و چون مریض رو بصحت یابد ترشح عرق علیالاتصال جاریست و بول نیز زیاد گردد و نقاهت اینمرض از روز ششم تا هشتم ظاهر شود

در تغییرات اتفاقیه در اینمرض گاهی از ابتدا علامات بغایت سخت سخت پدید آمده که در مدت بیست و چهار ساعت مریض را بهلاکت رساند و در هنگامیکه ضعف در نهایت شدتست و قشعریه از ابتدا ظاهر شود با اغماء و سنگینی و گنگی زبان و مریض را غشی عارض شده و یا در سبات باشد و با قلق و اضطراب و قی عارض گردد و تشنجیه در آنها پدید شود و سیما و حرکات بکلی از حالت طبیعی بگردد و بلون سرب و یا بلون سیمای اموات شود و لکتهای احمراللون در بدن بهمرسد و درینهنگام از دوازده الی چهل و هشت ساعت مریض بهلاکت رسد اما نوع تخفیف اینمرض در همان امکانه که طاعون شدید بروز مینماید خصوصاً هنگامیکه میخواهد از آن تمام شود قسمی از طاعون خفیف بروز کند و آن آنستکه عرق در اینمرض پدید است و عمل کلیه بقاعده بود و در روز چهارم و

^۱ - و اغلب اوقات قی بشدت عارض گردد و بول بسیار قلیل و گاهی بولالدم بروز نماید

^۲ - عارض شود و در اغلب پس از عروض دمل طاعونی

پنجم علامات خفیف هستند و دملهای طاعونیه و شربتها بجلد نزدیک تر باشند که عمق آنها بسیار کم است

و قسمی دیگر از طاعون بود که اخف از قسم سابق است بنوعیکه در آنها هیچ نبود و یا بغایت خفیف باشد که بزودی زایل شود و دمل طاعونی صغیر در زیر بغل یا کشاله ران ظاهر میشود و درین قسم مرضا بقدری علامات در آنها خفیفند که محتاج بخوابیدن در بستر نشوند اما ترکیبات مرض طاعون گاهی از اوقات یرقان بهمرسد و قی الدم عارض شود مانند اینکه این قسم طاعون سه سال قبل ازین در عراق عرب نزدیک دیوانیه پدید شده و این قسم طاعون بسیار ردی است و حصبه در جمیع طاعون بروز ندارد و ممکن است طاعونی بدون حصبه و تبخال با مرض طاعون عارض نشود و گاهی طاولچها انند آبله پیدا شود و چون دانههای کوچک قرمز و یا سیاه ظاهر گردند علامت دانت مرض است و گاهی بثورات کوچکی بقدر گزیدن کیک و یا بقدر بزرگی ناخن اسوداللون و یا بلون سرب بروز مینماید

اما دوام اینمرض بقاعده از شش الی هشت روز است و نقاهت از هشت الی ده روز ولی گاهی میشود که در روز اول مریض را بهلاکت رساند و اغلب از مرضا از روز سیم الی پنجم بهلاکت رسند و بروز هشتم اغلب از آنها شفا پذیرند و چون در بلدی اینمرض و بانی گردد تخمینا از صد نفر بهلاکت رسند و در اواخر طاعون هنگامیکه میخواهد تمام شود کمهزی هلاک شوند و اطفال و شیوخرا بیشتر بهلاکت رساند تا جوان و اشخاص قوی البنیه و چون دمل در عنق پدید گردد و یا مریضا ضیق النفس و یا هذیان و یا بول الدم عارض و یا آنکه کلیه از عمل خود باز ماند و یا اسهال شدید رخنماید جمیعاً علامات ردیه اند و برخلاف چون ترشح عرقی زیاد و حمی خفیف و سیما بحالت طبیعی عود نماید از علامات جیده است اما علاج و معالجه مخصوص تاکنون برای اینمرض پیدا نشده و دادن مهلات و انداختن مشمّع ذراریح و فصد و املاح زبقیه در اینمرض بیفایده بلکه مضر است و در اینمرض دواى زیاد نباید داد و باید مریضرا در مکان وسیع و با نظافت و خنک سکنا دهند و در غذا بسیار تقلیل نمایند و نوشیدن اشربه مبرده عامضه در حالت حمی نافع است ولی در حالتیکه طبیعت مایل ببحران ایت اشربه حامضه مبرده نباید بدهند بلکه مشروبات حاره بالفعلی که ممد بر عرق باشند استعمال نمایند و گاهی دیده شده تمریح با دهان نباتیه از قبیل روغن زیتون و روغن بادام بسیار نافع است و در دما میل طاعونیه باید ضمادهای حاره بالفعلی از قبیل بزرگ و غیره بکار دارند و چون وجع درین دما میل زیاد بود و بغایت متمدد باشد شرط کردن بطوریکه بشکافند احتمال کلیست که منفعت نماید و بصحت انجامد ولی داغ کردن آنها را با آتش منفعتی نبود

در بیان سرایت اینمرض بدانکه در مسری بودن او منکری نباشد ولی سرایت او گاه کم و گاه زیاد است و سرایت او بواسطه ی ملامسه نباشد بلکه در هوا اثر نموده براه تنفس داخل شده اینمرض عارض گردد و اگر اجزاء مابعه ی بدن طاعونی را بشخص دیگر بکوبند حکماً اثر نماید و این ماده مسریه بلباس و تخواب و فرش و غیره التصاق یافته و بدین جهت از بلدی دیگر سرایت نماید اما زمان کمون اینمرض سؤال آیا چند وقت میتواند ماده اینمرض در بدن مانده بدون علامات و بعد بروز نماید جواب اغلب اوقات بیش از هفت روز طول نکشد و بندرت اتفاق افتد که زیاده از پانزده روز در بدن کمون یابد

در بیان تدابیر حفظ صحتی اینمرض بهترین تدابیر فرار از محل طاعونیست و در صورت امکان هرچه زودتر بروند و دیرتر معاودت کنند بهتر خواهد بود و اگر فرار ممکن نبود ترک مروده با

اشخاص طاعونی نمایند و آذوغه و اسباب معیشت را بتدبیری آرند که شخص آورنده داخل خانه نشود و بجهت حفظ صحّت برای چنین مرض خطرناکی بهترین تدابیر گذاردن قرانتین است و هرچه در سختی او بکوشند بهتر است ولی پیداست که عمل قرانتین و گذاردن او بسیار دشوار است و بتجار و غیره ضرر و اذیت دارد میآید و آن رخوتیکه ملاصق بدن مریض است اگر ممکن بود بسوزانند الّا بدود کبریت تدخین نمایند و یا در آب بجوشانند و یا در تنور گرمی بگذارند و با وجودیکه مذکور نمودیم که اینمرض مسری است ولی نباید مردم بترسند بلکه قوت قلب بهمرسانند که اشخاص حیون و ضعیف القلب را بیشتر مبتلا سازد و چنان نباید پنداشت که جمیع اشخاص را باید مبتلا سازد بلکه بسیاری در هوای طاعونی هستند و مبتلا نمیشوند و نباید جمیع اشخاص فرار کنند و کسانیکه در شهر لازمست ماندن آنها باید بمانند و باین تدابیر عمل کنند خصوصا پرستاران و اطباء و باید اموات طاعونیرا در کفن و دفن ایشان دقتی کامل مرعی داشت که قبور آنها را عمیق کنند و در اراضی ریگزار و خشک دفن نمایند و نزدیک قنوات نباشد.

نمایه :

- آبله ۱۱
- اسهال ۱۲
- بول الدم ۱۲
- پشم ۴، ۵
- پنبه ۴، ۵
- چرم ۴
- روغن بادام ۱۲
- روغن زیتون ۱۲
- صداع ۸، ۹
- طاعون ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴
- طولوزان ۱
- قی ۸، ۱۰
- یرقان ۱۱